

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

## سیره‌ی متشرّعه و کاربرد آن در استنباط فقهی

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی فخلعی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن حائری

دانشجو:

زهرا سادات احمدی سلیمانی

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به

تمامی بزرگ‌مردانی که ایمان را نه در لفاف  
کلمات، که در پرتو

## آزادگی و آزادی‌ستن

به دیگران آموختند.

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را بر آن چه نعمت بخشید و بندگانش را ترغیب فرمود که شکر او را به جای آورند.

و اینک به امثال فرمان الهی و نیز به شکرانه‌ی نعمت‌هایش، قدردانی از زحمات پدر و مادر مهربانم را بر خود فرض می‌دانم؛ چه آن که آموخته‌ام، کسی که شکر آنان را به جای نیاورد، شکر خداوند را به جای نیاورده است.

و نیز او را سپاس می‌گویم که مرا به هم‌نشینی با رهروان علم و معرفت، مفتخر ساخت و فرصتی عطا فرمود تا بنده‌ی ضعیف خویش را در طریق علم و دانش بیازماید و به شکرانه‌ی این نعمت و براساس آموزه‌های مدرسه‌ی دین که فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ» قدردانی و تشکر از اساتید ارجمند، جناب دکتر فخلعی و جناب دکتر حائری را بر خود لازم می‌دانم؛ اندیشمندانی متعهد که تمام سعی خویش را در اشاعه‌ی معرفت، اخلاق و معنویت مبذول داشته‌اند. بی‌شک، اجرشان نزد خداوند علیم و خبیر محفوظ است؛ که به استناد آیه‌ی کریمه‌ی ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ کلام ارزشمند و عمل صالح به نزد خداوند صعود می‌کند.



بسمه تعالی  
مشخصات پایان‌نامه‌ی تحصیلی دانشجویان  
دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان: سیره‌ی مشرعه و کاربرد آن در استنباط فقهی	
نام نویسنده: زهرا سادات احمدی سلیمانی نام استاد راهنما: دکتر محمد تقی فخلعی نام استاد مشاور: دکتر محمد حسن حائری	
رشته‌ی تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی	گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی
تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۱۹	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۱۱/۵
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ● دکتری ○	تعداد صفحات: ۲۳۸
<p><b>چکیده:</b></p> <p>«سیره‌ی مشرعه» به عنوان یکی از اسناد کشف شریعت، عبارت است از سلوک عمومی متدینان عصر تشریح که تدین آنان در شکل‌گیری و قوام چنین سیره‌ای، وجه تعلیلی یافته است.</p> <p>در این نوشتار، پس از تبیین چیستی «سیره‌ی مشرعه»، نسبت آن با تأسیسات مشابهی چون: «سیره‌ی عقلا»، «سنت»، «اجماع» و «ارتکاز» مورد بررسی قرار گرفته و به این طریق، امکان تبیین شرایط حجیت و موقعیت دلالتی این نهاد، فراهم آمده است. در ادامه، ادله‌ی اعتبار «سیره‌ی مشرعه»، مورد نقد و تحلیل دقیق واقع شده است. فصل پایانی نیز به ارزیابی عمده‌ترین کاربردهای فقهی اختصاص یافته است.</p> <p>اشتراط موضع موافق شارع در حجیت «سیره‌ی مشرعه» و تحلیل آن ذیل سنت قولی و فعلی، تقدّم دلالتی «سیره‌ی مشرعه» بر «اجماع»، تحلیل عینی «ارتکاز مشرعه» بر پایه‌ی «سیره‌ی مشرعه» و برتری آن به لحاظ حجیت، اثبات حجیت ذاتی و عقلی «سیره‌ی مشرعه» و نیز نادر الوقوع بودن استناد تامّ فقهی به «سیره‌ی مشرعه» در میدان فقه، از دستاوردهای این پژوهش است.</p>	
کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
۱. سیره ۲. مشرعه ۳. سیره‌ی مشرعه ۴. معاصرت معصوم ۵. امضا ۶. حجیت ۷. استنباط	تاریخ:

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۱	۱. طرح مسئله و تبیین موضوع.....
۱	۲. ضرورت و اهداف.....
۱	۲-۱. ضرورت.....
۲	۲-۲. هدف.....
۲	۳. پرسش‌های اصلی و فرعی.....
۲	۳-۱. پرسش اصلی.....
۲	۳-۲. پرسش‌های فرعی.....
۳	۴. فرضیه‌ها.....
۳	۴-۱. جواب به پرسش اصلی.....
۳	۴-۲. جواب به سایر پرسش‌ها.....
۵	۵. پیشینه.....
۵	۶. کاربردها.....
۵	۷. نوآوری.....
۶	۸. روش کار.....
۶	۹. ساختار.....
۸	فصل اول: کلیات.....

مبحث اول - مفاهیم	۹
گفتار اول - «عرف»	۹
۱. مفهوم‌شناسی	۱۰
۱-۱. مفهوم لغوی	۱۰
۱-۲. مفهوم اصطلاحی	۱۴
۲. پی‌جویی و تحلیل کاربردهای واژه‌ی «عرف» در نگاشته‌های فقهی و اصولی	۱۶
۳. قلمرو «عرف» به لحاظ متعلق	۲۱
۳-۱. درآمد	۲۱
۳-۲. عرف عملی	۲۲
۳-۱-۲. تعریف اصطلاحی	۲۲
۳-۲-۲. اقسام	۲۳
أ. «عرف عام» و «عرف خاص»	۲۳
ب. ترتب «عرف» بر «ترک»	۲۷
گفتار دوم - «سیره»	۲۸
۱. مفهوم‌شناسی	۲۹
۱-۱. مفهوم لغوی	۲۹
۱-۲. مفهوم اصطلاحی	۳۳
۱-۲-۱. «سیره‌ی عقلا»	۳۵

۳۸.....	۱-۲-۲. «سیره‌ی متشرّعه».....
۳۸.....	أ. تعریف لغوی «متشرّعه».....
۴۳.....	ب. تعریف اصطلاحی «متشرّعه».....
۴۳.....	ج. تعریف اصطلاحی «سیره‌ی متشرّعه».....
۴۴.....	۲. جداانگاری مفهومی «سیره‌ی عقلا» و «سیره‌ی متشرّعه».....
۴۴.....	۳. تحریر محلّ نزاع به لحاظ مصداق «سیره».....
۴۶.....	گفتار سوم - «سنت».....
۴۶.....	۱. مفهوم‌شناسی.....
۴۶.....	۱-۱. مفهوم لغوی.....
۴۷.....	۱-۲. مفهوم اصطلاحی.....
۴۷.....	۲. اقسام.....
۴۷.....	۲-۱. سنت قولی.....
۴۸.....	۲-۲. سنت فعلی.....
۴۸.....	۲-۳. سنت تقریری.....
۴۸.....	أ. تقریر در لغت.....
۴۸.....	ب. «سنت تقریری» در اصطلاح.....
۴۹.....	گفتار چهارم - «اجماع».....
۴۹.....	۱. مفهوم‌شناسی.....



۴۹	۱-۱. مفهوم لغوی.....
۴۹	۱-۲. مفهوم اصطلاحی.....
۴۹	أ. «اجماع قولی».....
۴۹	ب. «اجماع عملی».....
۵۰	گفتار پنجم - «ارتکاز متشرّعه».....
۵۰	۱. مفهوم شناسی.....
۵۰	۱-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی «ارتکاز».....
۵۲	۱-۲. مفهوم اصطلاحی «ارتکاز متشرّعه».....
۵۲	۲. اقسام «ارتکاز».....
۵۲	۳. مناشیء «ارتکاز».....
۵۵	مبحث دوم - اعتبار سنجی.....
۵۵	گفتار اوّل - شرایط اعتبار «عرف عملی».....
۵۶	۱. اطّراد و شیوع اطمینان آور (کلیّت به جهت تکرار عمل).....
۵۷	۲. مخالفت نداشتن با «عقل عملی».....
۵۷	۳. مقارن بودن با عصر حضور معصوم.....
۵۷	۴. اثبات تقریر معصوم.....
۵۸	۵. عدم تصریح به خلاف در موارد کشف از مقصود متکلم.....
۵۸	۶. قدمت عمل.....

۵۹.....	۷. تقارن و یا تقدّم «عرف» نسبت به واقعه.....
۵۹.....	۸. عدم مخالفت با نص.....
۶۰.....	۹. الزام آور بودن.....
۶۰.....	۱۰. موافقت با عدالت و نفع عمومی.....
۶۰.....	گفتار دوم - عدم حضور سندی «عرف» در فقه شیعه.....
۶۳.....	مبحث سوم - دیرینه.....
۷۴.....	چکیده‌ی فصل.....
۷۷.....	فصل دوم: سیره‌ی متشرّعه در مقام کشف و استنباط.....
۸۲.....	مبحث اوّل - شرایط حجّیت.....
۸۲.....	گفتار اوّل - اشتراط معاصرت.....
۸۶.....	طرق احراز معاصرت.....
۸۹.....	گفتار دوم - شرطیّت امضا.....
۹۵.....	وجه تمایز «سیره‌های متشرّعی» از «بنائات عقلایی» در مقام دلیلیّت و اثبات.....
۱۰۰.....	یادآوری.....
۱۰۱.....	چکیده‌ی گفتار.....
۱۰۱.....	مبحث دوم - نسبت سنجی با تأسیسات مشابه.....
۱۰۲.....	گفتار اوّل - نسبت «سیره‌ی متشرّعه» با «سنّت».....
۱۰۴.....	گفتار دوم - نسبت «سیره‌های عملی» با «ارتکازات ذهنی» متشرّعه.....

۱۱۲.....	مبحث سوم - میزان دلالت .....
۱۱۴.....	مبحث چهارم - ادله‌ی حجیت .....
۱۱۴.....	گفتار نخست - ادله‌ی موافقان .....
۱۱۵.....	۱. عقل .....
۱۲۰.....	۲. کتاب .....
۱۲۰.....	۲-۱. آیه‌ی ۱۱۵ از سوره‌ی نساء .....
۱۲۲.....	۲-۲. آیه‌ی ۶ از سوره‌ی حجرات .....
۱۲۳.....	۳. سنت .....
۱۲۳.....	۳-۱. نامه‌ی ششم از نهج البلاغه .....
۱۲۸.....	۳-۲. روایت ابو حمزه .....
۱۳۰.....	۳-۳. روایت حماد .....
۱۳۱.....	۳-۴. مرفوعه‌ی زراره .....
۱۳۳.....	۳-۵. «ما رآه المسلمون حسناً فهو عند الله تعالى حسن» .....
۱۳۴.....	چکیده‌ی بحث: .....
۱۳۵.....	گفتار دوم - ادله‌ی مخالفان .....
۱۴۰.....	نتایج نهایی فصل .....
۱۴۱.....	فصل سوم: موقعیت سندی سیره‌ی متشرّعه .....
۱۴۲.....	مبحث اول - کارآیی «سیره‌ی متشرّعه» در اصول فقه .....

۱۴۳.....	۱. جریان «سیره‌ی متشرّعه» در حجّیت خبر واحد.....
۱۴۴.....	۲. جریان «سیره‌ی متشرّعه» در برائت.....
۱۴۴.....	مبحث دوم - کارآیی «سیره‌ی متشرّعه» در استنباطات فقهی.....
۱۴۶.....	گفتار اوّل - عبادات.....
۱۴۶.....	۱. طهارت.....
۱۴۶.....	۱-۱. تنجیس متنجّس (سرایت نجاست از ملاقی عین نجس به ملاقی‌های بعدی).....
۱۴۶.....	۱-۱-۱. بررسی فقهی مسئله.....
۱۴۸.....	۱-۱-۲. استدلال به «سیره‌ی متشرّعه»:.....
۱۵۲.....	۱-۲. حلیّت اکل خون باقی مانده در ذبیحه‌ی مأکول اللحم.....
۱۵۲.....	۱-۲-۱. بررسی فقهی مسئله.....
۱۵۳.....	۱-۲-۱-۱. مقتضای اصل در مسئله:.....
۱۵۳.....	۱-۲-۱-۲. ادلّه‌ی حلیّت مطلق خون باقی مانده در ذبیحه:.....
۱۵۳.....	أ. مفهوم آیه‌ی ۱۴۵ از سوره‌ی انعام.....
۱۵۵.....	ب. روایت حسن بن محبوب.....
۱۵۶.....	ج. ادّعی‌ای اجماع.....
۱۵۷.....	د. قاعده‌ی عسر و حرج.....
۱۵۷.....	ه. سیره‌ی متشرّعه.....
۱۵۸.....	۱-۲-۲. داوری نهایی در باب ادلّه.....
۱۶۱.....	۱-۳. نجاست ذاتی کفّار کتابی.....

۱۶۱.....	۱-۳-۱. بررسی فقهی (دلایل نجاست کافر).....
۱۶۱.....	۱-۳-۱-۱. کتاب.....
۱۶۱.....	أ. آیهی ۲۸ از سورهی توبه.....
۱۶۳.....	ب. آیهی ۱۲۵ از سورهی انعام.....
۱۶۴.....	۱-۳-۱-۲. سنّت.....
۱۶۴.....	أ. روایات ناهی از مصافحهی با کفّار.....
۱۶۴.....	ب. روایات ناهی از هم‌غذا شدن با کفّار در ظرفی واحد.....
۱۶۴.....	ج. روایات ناهی از خوردن طعام در ظروف کفّار.....
۱۶۴.....	د. روایات دالّ بر لزوم اجتناب از سؤر کافر ذمی.....
۱۶۵.....	ه. روایات وارده در باب عاریه‌ی لباس از کفّار و حکم نماز در آن.....
۱۶۵.....	۱-۳-۱-۳. اجماع.....
۱۶۹.....	۱-۳-۱-۴. سیره‌ی متشرّعه.....
۱۷۱.....	۱-۳-۲. داوری نهایی در باب ادلّه.....
۱۷۲.....	۱-۴. نجاست ذاتی مخالفان مذهبی.....
۱۷۲.....	۱-۴-۱. بررسی فقهی.....
۱۷۳.....	۱-۴-۱-۱. توضیح اندیشه‌ی نجاست.....
۱۷۷.....	۱-۴-۱-۲. تثبیت اندیشه‌ی طهارت.....
۱۷۷.....	محور نخست: نقد و ردّ اندیشه‌ی نجاست (قول به کفر و نصب).....
۱۸۲.....	محور دوم: ادلّه‌ی قول به طهارت.....

۱۸۲.....	۱. سنّت قولی.....
۱۸۳.....	۲. سنّت فعلی.....
۱۸۳.....	۳. «سیره ی متشرّعه».....
۱۸۴.....	۲-۴-۱. داوری نهایی در باب ادلّه.....
۱۸۷.....	۵-۱. اثبات کر بودن آب به طریق خبر ذوالید.....
۱۸۸.....	۲. نماز.....
۱۸۸.....	نماز در اراضی وسیع.....
۱۸۸.....	أ. بررسی فقهی.....
۱۹۲.....	ب. مناقشه در دلیل سیره و تثبیت نظریه ی مختار.....
۱۹۶.....	۳. خمس.....
۱۹۶.....	جواز دفع خمس به دفع قیمت عین.....
۱۹۶.....	۱-۳. بررسی فقهی (ادلّه ی جواز).....
۱۹۸.....	۱-۳-۱. سنّت.....
۱۹۸.....	۱-۱-۳. اشاره به برخی از روایات وارده در باب زکات.....
۲۰۰.....	۲-۱-۳. اشاره به برخی از روایات وارد در باب خمس.....
۲۰۰.....	أ. روایت ریان بن صلت.....
۲۰۰.....	ب. روایت ابوبصیر.....
۲۰۱.....	ج. روایت حرث بن حصیره.....
۲۰۲.....	۲-۱-۳. قیاس خمس به زکات.....

## فهرست مطالب

---

۲۰۲.....	۳-۱-۳. «سیره ی متشرعه».....
۲۰۳.....	۳-۲. داوری نهایی در باب ادلّه.....
۲۰۸.....	۴. حج.....
۲۰۸.....	طواف نساء در عمره ی تمتّع.....
۲۰۸.....	۴-۱. بررسی فقهی روایات وارده.....
۲۱۲.....	۴-۲. داوری نهایی در باب ادلّه.....
۲۱۲.....	گفتار دوم - عقود.....
۲۱۲.....	معاطات.....
۲۱۴.....	گفتار سوم - احکام.....
۲۱۴.....	حجّیت کتابت در قضاوت.....
۲۱۶.....	نتیجه ی نهایی فصل.....
۲۱۷.....	خاتمه.....
۲۱۹.....	فهرست منابع.....
۲۱۹.....	أ. منابع خطی و چاپی.....
۲۳۷.....	ب. سایت ها.....
۲۳۸.....	Abstract.....

## مقدمه

### ۱. طرح مسئله و تبیین موضوع

استناد به «سیره‌ی متشرّعه» در مجال استنباط حکم شرعی، از امتیازات فقه امامیه محسوب می‌شود. مقصود از «سیره»، استمرار عادت مردم و تبانی عملی آنان بر انجام و یا ترک چیزی است و مراد از «متشرّعه» در لسان فقها و اصولیان، پایبندان به آموزه‌های دین و شریعتند. از این رو، «سیره‌ی متشرّعه» در یک تعریف تعلیمی، به سلوک عمومی متدینان عصر تشریح اطلاق می‌گردد که تدین آنان، تنها وجه تعلیلی تکوّن و قوام «سیره» است و از این رو، به گفته‌ی اصولیان حجیتش به صرف اثبات معاصرت با عهد ائمه (علیهم‌السلام) تمام است.

آنچه در این پژوهش مورد نظر است، تبیین ماهوی و دلالی «سیره‌ی متشرّعه» و نیز میزان کارآیی این نهاد در مجال استنباط احکام شرعی است.

### ۲. ضرورت و اهداف

#### ۲-۱. ضرورت

آنچه از بررسی کتب فقهی بدست می‌آید، موقعیت قوی «سیره‌ی متشرّعه» در مجال استنباط است که بسی پیش‌تر از «عرف» مورد وفاق اکثر قریب به اتفاق اصولیان واقع شده است. با این وجود، پژوهش‌گران، به بررسی ماهوی و دلالی و نیز فحص از ادله‌ی اعتبار آن همّت نگماشته‌اند و تنها مسأله‌ای که به صراحت یا به ظهور، محور بحث واقع گردیده، اعتماد بر حجیت اقتضایی این نهاد، پس از احراز معاصرت معصوم (علیه‌السلام) است که موجبات استناد فراوان فقها را در مجال فقه فراهم آورده است.



افزون بر این، وجود وجوهی متشابه میان این نهاد و تأسیساتی چون: عرف، سنت، ارتکاز، اجماع و سیره‌ی عقلا، موجبات خلط ناصحیح مباحث و در نتیجه، اختلاف نظر بزرگان در تشخیص عناصر مؤثر هریک از این تأسیسات را فراهم آورده است.

به هر حال، از آنجا که زیر بنای اجتهاد، به کارگیری ادله‌ی استنباط است، تنقیح دقیق ماهوی و دلالی «سیره‌ی متشرعه» و نیز نقد و ارزیابی کاربردهای فقهی آن و در نهایت ارائه‌ی گزارشی جامع از نحوه و میزان دلالت این نهاد در مجال استنباط فقه، ضروری است.

## ۲-۲. هدف

بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر این خواهد بود که دو جنبه‌ی ثبوتی و اثباتی «سیره‌ی متشرعه» با اتخاذ رویکردی مقایسه‌ای در میدان تأسیسات مشابه، مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گیرد؛ تا در این راستا زمینه‌ی مناسبی برای تبیین دقیق موقعیت دلالی این نهاد فراهم آید و سپس در پرتو آن، میزان دلالت و کارآیی «سیره‌ی متشرعه» در گستره‌ی فقه مشخص شود و این خود، گامی هرچند کوچک در جهت توسعه‌ی کیفی اجتهاد خواهد بود.

## ۳. پرسش‌های اصلی و فرعی

### ۳-۱. پرسش اصلی

تا چه حد می‌توان استناد به «سیره‌ی متشرعه» را در گستره‌ی فقه واقع یافت؟

### ۳-۲. پرسش‌های فرعی

- ا. در نگرش امامیه، عنوان «متشرعه» بر چه گروهی اطلاق می‌گردد؟
- ب. مقصود از «سیره‌ی متشرعه» در منابع اصولی و فقهی امامیه چیست و از چه زمانی در زمره‌ی مستندات فقهی قرار گرفته است؟
- ج. چه عناصری در شکل‌گیری «سیره‌ی متشرعه» دخیل است؟ دخالت این عناصر در تکون این نهاد، چه تأثیری در دلالت آن به لحاظ اصولی دارد؟
- د. حدود و ضوابط اخذ به «سیره‌ی متشرعه» در استنباط حکم شرعی چیست؟
- ه. رابطه‌ی «سیره‌ی متشرعه» با تأسیسات مشابهی چون: سیره‌ی عقلا، سنت، اجماع و ارتکاز چگونه ترسیم می‌گردد؟
- و. قلمرو و میزان دلالت «سیره‌ی متشرعه» چیست؟

ز. «سیره‌ی متشرّعه» چه نوع دلیلی است؟ آیا خارج از ادلّه‌ی اربعه است یا به یکی از آنان باز می‌گردد؟

ح. ادلّه‌ی حجّیت «سیره‌ی متشرّعه» در میان ادلّه‌ی لفظی و لّبی کدامند؟

ط. آیا حجّیت «سیره‌ی متشرّعه» مورد وفاق همگان است؟

ی. آیا «سیره‌ی متشرّعه» می‌تواند دلیل بر مسئله‌ی اصولی واقع شود؟

ک. کارآیی عملی «سیره‌ی متشرّعه» در مجال فقه چه اندازه است؟

## ۴. فرضیه‌ها

### ۴-۱. جواب به پرسش اصلی

با توجه به محدودیت‌های نهاده شده در طریق حجّیت «سیره‌ی متشرّعه» و لزوم اثبات معاصرت آن با عصر تشریح، احراز تحقّق «سیره» و استمرار آن کار بسیار دشواری است. از دیگر سو، با طرح ادلّه‌ی موافق با مضمون «سیره» در بسیاری از فروع فقهی، امکان احراز معاصرت به طریق اصل تلقّی نیز منتفی می‌گردد. از این رو، محتمل است کارآیی این نهاد در گستره‌ی فقه بسیار نادر باشد.

### ۴-۲. جواب به سایر پرسش‌ها

أ. به احتمال قوی مراد از «متشرّعه» در لسان فقها و اصولیان، پایبندان به آموزه‌های دین و شریعتند. احتمال دیگر در این مسئله آن است که دایره‌ی متشرّعان را به اصحاب ائمه علیهم‌السلام محدود نماییم.

ب. «سیره‌ی متشرّعه» به سلوک عمومی مسلمانان عصر تشریح گفته می‌شود که تنها عنصر مؤثر در آن، حیثیت تشریح است. بررسی کتب کهن فقهی و اصولی، گواه بر آن است که این نهاد بسی پیش‌تر از «عرف» مورد توجه دانشیان قرار گرفته است؛ اگرچه تصریح به اعتبار آن در کتب اصولی متقدّم دیده نمی‌شود. لیکن محتمل است که ورود این اصطلاح به عرصه‌ی فقه و اصول، به حدود دو قرن اخیر بازگردد.

ج. به نظر می‌رسد تنها عنصر مؤثر در تکوّن سیره‌های متشرّعی، حیثیت تشریح متدینان باشد. از این رو، به گفته‌ی اصولیان حجّیت آن، به صرف احراز معاصرتش با عهد ائمه علیهم‌السلام تمام است.

د. اکثر قریب به اتفاق اصولیان، تنها شرط حجّیت «سیره‌ی متشرّعه» را احراز معاصرت آن با عصر تشریح دانسته‌اند. در این صورت، به صرف معاصرت، حجّیت اقتضایی این نهاد، فعلیت می‌یابد. محتمل است که شرط عدم ثبوت ردع نیز در زمره‌ی شرایط حجّیت قرار گیرد.

ه. پاسخ به پرسش پنجم از پرسش‌های فرعی را در چند بخش جواب می‌دهیم:

- پر واضح است که متشرّعه به حیثیت عقلایی خویش، با احکام فطری، عقلی و عقلایی نیز هم‌نوا هستند. از این رو، بازگشت «سیره‌ی متشرّعه» در مواضع عقلایی به «سیره‌ی عقلا» خواهد بود.

- اشتراط احراز معاصرت در حجّیت «سیره‌ی متشرّعه»، به معنای تحلیل دلّالی «سیره‌ی متشرّعه» ذیل یکی از اقسام «سنت» است. از دیگر سو، با طرح «سیره‌ی متشرّعه» در مواضع شرعی محض، احتمال بازگشت آن به «سنت تقریری» ضعیف، و فرض تحلیل دلّالی آن ذیل «سنت قولی و فعلی» قوّت می‌یابد.

- به نظر می‌رسد از آن‌جا که ملاک در تحقّق «سیره‌ی متشرّعه»، حصول سلوکی اغلبی و اکثری است و برخلاف اجماع، احراز اتّفاق کل در آن شرط نمی‌باشد، با تحقّق «سیره‌ی متشرّعه» و احراز معاصرت، دیگر نیازی به تحصیل اجماع نباشد؛ به ویژه آن‌که فقها نیز در زمره‌ی اکابر متشرّعه با این سلوک همراهند. افزون بر این، به گفته‌ی برخی، «سیره‌ی متشرّعه» حلقه‌ی واسطه میان اجماع و دلیل شرعی است.

- به نظر می‌رسد، حکمی که در اثر تکرار مستمرّ سیره‌های متشرّعی مشروع، در ذهن ثبوت و استقرار یافته باشد را «ارتکاز متشرّعه» نامند. طبق این گفته، «ارتکاز متشرّعی» بر «سیره‌ی متشرّعه» تقدّم دلّالی خواهد یافت.

و. به نظر می‌رسد که «سیره‌ی متشرّعه» تنها دالّ بر احکام وضعی چون: مشروعیت، عدم وجوب و عدم حرمت است و دلّالتی بر احکام تکلیفی ندارد.

ز. همان‌طور که پیش‌تر گذشت، اشتراط احراز معاصرت در حجّیت «سیره‌ی متشرّعه» فرض تحلیل آن را ذیل «سنت فعلی و قولی» قوّت می‌بخشد.

ح. آن‌چه مسلم است، اعتماد دانشیان به حجّیت اقتضایی و عقلی «سیره‌ی متشرّعه» است و اما دلالت اسنادی از کتاب و سنت بر حجّیت این نهاد - حدّ اقل در مواردی خاص - نیز محتمل است.

ط. در نگاه نخستین چنین به نظر می‌رسد که اصولیان بر حجّیت این نهاد وفاق یافته‌اند.

ی. با توجّه به جریان «سیره‌ی متشرّعه» در مسایل تبعّدی محض، فرض دلالت آن بر مسایل اصولی محال است؛ چه آن‌که این مسایل، در زمره‌ی مباحث عقلی و عقلایی قرار دارند.

ک. استناد به «سیره‌ی متشرّعه» در استنباطات فقهی بسیار دیده می‌شود؛ آن‌چه در این میان مسلم است، غفلت دانشیان از ارزیابی و تحلیل مبانی حجّیت این نهاد در گستره‌ی فقه است. به نظر می‌رسد که اظهار نظر در مورد میزان کارآیی «سیره‌ی متشرّعه»، در گرو اتّخاذ نگاهی شمول‌گرا در ادلّه‌ی استنباط حکم مورد نظر و نیز بررسی شرایط حجّیت هر یک از مصادیق باشد. محتمل است، با توجّه به

محدودیت‌ها نهاده شده در حجیت بخشی به «سیره‌ی متشرعه»، علی‌رغم حجیت عقلی و ذاتی این نهاد، کارآیی عملی آن در مجال فقه منتفی دانسته شود.

## ۵. پیشینه

با توجه به بررسی‌ها و جست‌وجوهای انجام شده، تاکنون متن علمی مستقلی در بین منابع، اعم از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها، مقالات و مجلات تخصصی راجع به «سیره‌ی متشرعه» نیافتیم. اصولیان امامیه، چندان که باید به تنقیح «سیره‌ی متشرعه» در بابی مستقل و مجزا نپرداخته‌اند و جست‌وجو در نرم‌افزارهای مرتبط نشان می‌دهد که تنها بزرگانی چون: سید محمد تقی حکیم در کتاب *الاصول العامة للفقهاء المقارن*، محمد رضا مظفر در کتاب *اصول الفقه*، سید محمد باقر صدر در کتب ارزشمند خود چون: *بحوث فی علم الاصول*، *المعالم الجديدة للاصول*، *دروس فی علم الاصول* و حسینی شیرازی در کتاب *بیان الاصول* درصدد آن برآمده‌اند که با اختصاص دادن بابی مستقل و بیان شقوق مسئله، به تنقیح موضوعی و دلالتی «سیره‌ی متشرعه» پردازند و دیگر اصولیان، در ابواب پراکنده‌ی اصولی و متناسب با موضوع مورد بحث، میدان بحث از «سیره‌ی متشرعه» را نیز گشوده‌اند. به عنوان مثال: مرحوم امام علیه السلام در کتاب *تحریرات فی الاصول* خود ذیل مبحث «ادلّه‌ی حجیت خبر واحد»، به حجیت، شرایط و ضوابط «سیره‌ی متشرعه» نیز اشاراتی داشته‌اند.

## ۶. کاربردها

از آن‌جا که این بحث، ناظر بر مباحث بنیادین عرصه‌ی تفکر می‌باشد، ثمره‌ای عملی بر آن مترتب نمی‌باشد و فقط می‌تواند در جهت غنی‌سازی مکانیزم استنباط، مؤثر واقع شود و پایه برای مباحث استنباطی بعدی قرار گیرد.

## ۷. نوآوری

جنبه‌های جدید بودن این طرح را در چند جهت می‌توان شمارش کرد:

- أ. تبیین شبکه‌ی روابط مفهومی «سیره‌ی متشرعه» و تأسیسات مشابه (عرف، سیره‌ی عقلا، سنت، اجماع، ارتکاز).
- ب. تنقیح شرایط حجیت «سیره‌ی متشرعه» در پرتو اتخاذ رویکردی مقایسه‌ای با «سیره‌ی عقلا».
- ج. بررسی ادلّه‌ی حجیت این نهاد در میان ادلّه‌ی لفظی و لّبی و در نهایت، اثبات حجیت ذاتی آن به تقریری نو.